

مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری
شماره سی و سوم، ۱۳۸۴، صص ۲۷۰ - ۲۴۵

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا: یک ارزیابی

پی. چاندراسی خارا راتو*

مترجم: دکتر علی قاسمی**

۱. کنوانسیون

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریا (که از این پس «کنوانسیون»*** نامیده می‌شود) در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در خلیج مونتوگو در کشور جامائیکا امضا شد، و ۱۲ سال بعد یعنی در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید. موافقتنامه دیگری در رابطه با اجرای قسمت یازدهم کنوانسیون مذکور در ژوئیه ۱۹۹۴ تصویب و در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شد. این موافقتنامه و قسمت یازدهم کنوانسیون باید به عنوان سند واحد تفسیر و اجرا گردند. تاکنون ۱۳۵ دولت طرف کنوانسیون و

*. مشخصات مقاله و مأخذ آن به شرح ذیل است:

P. Chandrasekhara Rao, "The International Tribunal for the Law of the Sea: An Evaluation", N. Ando et al. (eds.), Liber Amicorum Judge Shigeru Oda, Kluwer Law International, Printed in the Netherlands, pp. 667-681, 2002.

شایان ذکر است نویسنده یکی از قضات فعلی دادگاه بین‌المللی حقوق دریا می‌باشد.

** عضو هیأت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

*** شایان ذکر است که کنوانسیون مذکور (مشمول بر ۳۲۰ ماده، ۹ ضمیمه، سه قطعنامه و یک سند نهایی) مفصل‌ترین کنوانسیون است که جامعه بین‌المللی تاکنون تصویب نموده است (م).

دادگاه بین‌المللی حقوق ... ❖ ۲۴۵

۱۰۰ دولت طرف موافقتنامه شده‌اند. در مقاله حاضر از کنوانسیون و موافقتنامه توأمأ با عنوان «کنوانسیون» یاد خواهد شد.

۲. دادگاه

کنوانسیون مقرر می‌دارد که دول طرف آن باید اختلافات خود در مورد تفسیر یا اجرای کنوانسیون را با شیوه‌های مسالمت‌آمیزی که در منشور سازمان ملل پیش‌بینی شده، حل و فصل نمایند. ولی اگر طرفهای اختلاف به طریق مسالمت‌آمیزی که خود انتخاب نموده‌اند به توافق نرسند، ملزم هستند که به آیین حل و فصل اجباری اختلاف که در بخش دوم از قسمت پانزدهم کنوانسیون پیش‌بینی شده است تمسک جویند. این آیین تصمیمات الزام‌آوری را در پی خواهد داشت. هر دولت عضو در انتخاب یک یا چند شیوه حل و فصل اختلاف به شرح ذیل مختار است: از طریق دادگاه بین‌المللی حقوق دریا (که از این به بعد «دادگاه» نامیده می‌شود)، دیوان بین‌المللی دادگستری،* داوری بر اساس پیوست شماره ۷ کنوانسیون و داوری ویژه، مطابق پیوست شماره ۸ کنوانسیون.** خلاصه آن که کنوانسیون روش واحدی را برای حل و فصل اختلافات مقرر نداشته، بلکه به طرفین اختلاف در این رابطه حق انتخاب داده است.

با وجود این، همان‌طور که مجمع عمومی سازمان ملل اعلام داشته، دادگاه در حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق دریا از «نقش و اختیارات مهمی» برخوردار است^۱ که از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

اول این که این رکن، دادگاهی دائمی متشکل از ۲۱ قاضی ذیصلاح در زمینه حقوق دریا است. اگرچه دادگاه مانند دیوان بین‌المللی دادگستری

*. The International Court of Justice.

** بدیهی است علاوه بر شیوه‌های مذکور امکان مصالحه و سازش بین طرفین نیز وجود دارد (م).

1. UN Doc. A/RES/54/31 of 24 November 1999.

محکمه‌ای جهانی می‌باشد، ولی صلاحیت آن به حقوق دریا محدود می‌شود. این واقعیت که کنوانسیون دادگاهی دائمی با هزینه‌ای قابل ملاحظه را پیش‌بینی کرده، خود مؤید این است که جامعه بین‌المللی از دادگاه مزبور انتظار دارد تا در حل اختلافات مربوط به حقوق دریا نقشی کلیدی ایفا نماید.

دوم این که بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون در مسأله رفع توقیف سریع از کشتی‌ها و آزادی خدمه و مطابق بند ۵ از ماده ۲۹۰ در مسأله اقدامات موقت، در خصوص موضوعاتی که مستلزم اقدام سریع می‌باشند، صلاحیت دادگاه اجباری است، مگر آن که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

سوم این که، در خصوص اختلافات راجع به فعالیت در بستر دریاها و اقیانوسها و زیر بستر آنها که خارج از محدوده صلاحیت ملی دولتها می‌باشد (از این پس «منطقه» نامیده می‌شود)، صلاحیت شعبه مربوط به اختلافات بستر دریا* تقریباً انحصاری است.^۲ شعبه مذکور است که صلاحیت دارد بنا به درخواست مجمع یا شورای مقام بستر دریا** در مورد مسائل حقوقی مربوط به حوزه فعالیت آنان نظر مشورتی ارائه کند.^۳ چهارم این که صلاحیت دادگاه فقط به اختلافات مذکور در کنوانسیون محدود نشده، بلکه به کلیه اختلافاتی که صراحتاً در هر موافقتنامه دیگری که به دادگاه اعطای صلاحیت نموده، گسترش می‌یابد.^۴ برای نمونه می‌توان به کنوانسیون ۱۹۹۵ نیویورک در مورد ماهیان دو

*. The Seabed Disputes Chamber of the Tribunal.

۲. نک. ماده ۱۸۷ کنوانسیون.

** The Assembly/ Council of the Seabed Authority.

۳. نک. ماده ۱۹۱ کنوانسیون.

۴. نک. ماده ۲۱ از پیوست ۶ کنوانسیون.

مکانی* و پروتکل ۱۹۹۶ الحاقی به کنوانسیون دامپینگ لندن** اشاره نمود.

پنجم این که در صورت توافق همه طرفهای یک معاهده یا کنوانسیون - که تاکنون به اجرا در آمده و موضوع آن تحت شمول کنوانسیون حاضر می‌باشد - هرگونه اختلاف راجع به چنین معاهده یا کنوانسیونی نیز می‌تواند به دادگاه ارجاع گردد.^۵

ششم این که در صورت تصریح یک موافقتنامه بین‌المللی مرتبط با اهداف کنوانسیون حاضر، دادگاه می‌تواند متعاقب درخواست در خصوص مسائل حقوقی (آن موافقتنامه)، نظر مشورتی ارائه دهد.^۶

هفتم که بسیار قابل توجه است این که شعبه رسیدگی کننده به اختلافات مربوط به بستر دریا، همچنین صلاحیت رسیدگی به اختلافات مربوط به فعالیت‌های مؤسسات غیردولتی در منطقه را دارد.^۷

بالاخره، باید افزود که باب دادگاه به روی مؤسسات غیردولتی در هر پرونده‌ای که مطابق موافقتنامه‌ای که به دادگاه صلاحیت اعطا کرده و از سوی تمامی طرفهای آن پرونده پذیرفته شده، مفتوح است.^۸

طرفین یک اختلاف بین این که اختلاف آنها توسط هیأت عمومی دادگاه، که متشکل از همه قضات است، و یا به وسیله یکی از شعب ویژه

*. The 1995 Convention Straddling Fish Stocks.

** The 1996 Protocol to the London Dumping Convention.

«دامپینگ» عبارت است از «فروش وسیع جنسی با قیمت پایین یا بدون توجه به عامل قیمت. فروش کالا در خارج به قیمتی کمتر از قیمت آن در داخل. صدور کالا به کشور دیگر و فروش آن به بهای کمتر از بهای عادی به منظور فلج کردن صنایع داخلی آن کشور». به نقل از ترجمه فرهنگ حقوقی بلاک (Black's Law Dictionary)، مترجم بهمن آقایی، گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۴۶۳ (م).

۵. نک. ماده ۲۲ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

۶. نک. ماده ۱۳۸ آیین دادرسی دیوان.

۷. نک. ماده ۱۸۷ کنوانسیون و ماده ۳۷ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

۸. نک. ماده ۲۰ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

مورد رسیدگی قرار گیرد، مختار هستند.^۹ شعب ویژه‌ای که دادگاه برای رسیدگی به اختلافات خاص تشکیل داده عبارتند از شعبه دادرسی اختصاری؛ شعبه رسیدگی کننده به اختلافات مربوط به ماهیگیری؛ شعبه رسیدگی کننده به اختلافات راجع به محیط زیست دریایی. همچنین دادگاه می‌تواند شعب ویژه دیگری برای پرداختن به دسته خاصی از اختلافات اختصاص دهد.

به علاوه، با درخواست طرفین اختلاف دادگاه می‌تواند شعبه ویژه‌ای را برای رسیدگی به اختلاف خاصی که به آن ارجاع می‌شود تشکیل دهد.^{۱۰} ترکیب چنین شعبه‌ای باید توسط دادگاه و با تأیید طرفین تعیین گردد. این حق انتخاب مخصوصاً در مواردی که طرفها، داوری را برای حل و فصل اختلافات لحاظ می‌کنند، مورد توجه خاص است. هزینه‌های یک شعبه خاص از بودجه عمومی دادگاه پرداخت می‌شود و مستقیماً بر طرفین پرونده تحمیل نمی‌گردد. هرگاه در میان داوران شعبه موقت، داوری از ملیت یکی از اطراف دعوی نباشد، آن طرف می‌تواند شخصی را به انتخاب خود معین نماید تا به عنوان عضو در دادگاه شرکت کند. همین حکم جاری خواهد بود حتی اگر در میان اعضای خود دادگاه (و نه شعبه موقتی آن) یک نفر از اتباع آن طرف دعوی در مسند قضاوت حضور داشته باشد، زیرا مقررات مندرج در بند ۴ از ماده ۱۷ اساسنامه فقط در خصوص شعب دائمی و نه شعبه موقت اعمال می‌شود.^{۱۱} بنا به درخواست شیلی و جامعه اروپا،* دادگاه طی دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۰، شعبه ویژه‌ای متشکل از

۹. نک. ماده ۱۵ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

۱۰. نک. بند ۲ از ماده ۱۵ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

۱۱. برای عقیده مشابهه در رابطه با بند ۴ از ماده ۳۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، نک.

M. Schwebel, Justice in International Law, 1994, p. 112.

*. شایان ذکر است که از سال ۱۹۹۱ طی کنفرانس ماستریخت، جامعه اروپا به اتحادیه اروپا (European Union) تغییر یافته که از نظر نویسنده محترم مقاله حاضر مغفول مانده است (م).

پنج قاضی را مأمور کرد تا به اختلاف بین شیلی و جامعه اروپا راجع به حفظ و بهره‌برداری پایدار از ذخایر ارّه ماهی در جنوب شرقی اقیانوس آرام رسیدگی کند. ترکیب قضات این شعبه ویژه در رسیدگی به پرونده مذکور به این ترتیب است: چ. رائو* (رئیس) و کامینوس،** یانکوف،*** و ول فروم**** و ویکونا***** (قاضی ویژه) به عنوان اعضا.

این برای اولین بار است که شعبه ویژه‌ای بر اساس بند ۲ از ماده ۱۵ اساسنامه برای رسیدگی به یک اختلاف خاص دائر شده است. در ۱۵ مارس ۲۰۰۱ بنا به درخواست طرفین دعوی، رئیس این شعبه دستوری صادر نمود که بر اساس آن ۹۰ روز ضرب‌الاجل برای طرح اعتراضات مقدماتی تعیین کرد که از اول ژانویه ۲۰۰۴ آغاز می‌شود؛ البته هر طرف حق دارد تقاضا کند که ضرب‌الاجل مذکور از هر تاریخی پیش از اول ژانویه ۲۰۰۴ شروع شود. همچنین نکته حائز اهمیت آن که پرونده شیلی — اتحادیه اروپا (پرونده‌ای بین دولت و یک سازمان بین‌المللی) در نوع خودش نخستین پرونده‌ای است که برای داوری در چارچوب صلاحیت ترافیکی***** یک دادگاه جهانی مطرح می‌شود.

به علاوه، شایان ذکر است که منعی برای استفاده از صلاحیت مشورتی***** دادگاه نیز وجود ندارد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجمع یا شورای مقام بستر دریا، به مؤسسات دیگر نیز نظر مشورتی بدهد، البته اگر موافقتنامه بین‌المللی مرتبط با اهداف کنوانسیون، به طور اختصاصی تسلیم

*. Chandrasekhara Rao.

** . Judge Caminos.

***. Judge Yankov.

****. Judge Wolfrum.

*****. Judge *ad hoc* Vicuna.

*****. Contentious Jurisdiction.

*****. Advisory Jurisdiction.

درخواست برای چنین نظر مشورتی را پیش‌بینی کرده باشد.^{۱۲} هدف از این امر آن است که مکانیزم حل و فصل مسالمت‌آمیز تا آنجا که ممکن است به طور گسترده از طرق مختلف قابل دسترسی باشد. البته زمانی که دیوانهای بین‌المللی در دسترس مؤسسات غیردولتی قرار می‌گیرند، باید تضمینات کافی برای اجرای تصمیمات وجود داشته باشد. در مورد استخراج از «منطقه»، کنوانسیون آشکارا مقرر داشته که قابلیت اجرای تصمیمات صادره از شعبه اختلافات مربوط به بستر دریا در قلمرو دول عضو، به همان شیوه‌ای است که احکام یا دستورات صادره از بالاترین دادگاه دولت عضو (که اجرای این احکام یا دستورات در قلمرو آن درخواست می‌شود)، قابل اجرا می‌باشند.^{۱۳}

۳. پرونده‌هایی که تاکنون به دادگاه ارجاع شده‌اند

از اعلام موجودیت رسمی دادگاه در اکتبر ۱۹۹۶ تاکنون [در زمان نوشتن مقاله]، بیش از چهارسال می‌گذرد. دادگاه در طی این مدت دستاوردهای زیادی داشته که مهم‌ترین آن این است که به صورت یک نهاد قضایی کاربردی در آمده است. تاکنون دادگاه به هفت پرونده* رسیدگی کرده که جدیدترین آنها** پرونده بین بلیز*** و فرانسه بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون است.

قضات دادگاه اولین جلسه رسیدگی را در اکتبر ۱۹۹۶ در شهر هامبورگ آلمان تشکیل دادند. از بدو امر، دادگاه در صدد بود تا هرچه

۱۲. نک. ماده ۱۳۸ آیین دادرسی دیوان.

۱۳. نک. ماده ۳۹ از پیوست شماره ۶ کنوانسیون.

*. شایان ذکر است که این نکته تا زمان نگارش مقاله (در سال ۲۰۰۰) صادق است (م).

** به هنگام ترجمه مقاله (اوت ۲۰۰۵) سیزده فقره پرونده در دستور کار دادگاه قرار داشته است که آخرین قضیه مطروح The Juno Trader case (Saint Vincent and Grenadines V. Guinea-Bissau) می‌باشد.

***. Belize.

سریع‌تر شروع به کار نموده و جلسات استماع پرونده‌ها را آغاز کند. بدین منظور، به سرعت کار بر روی تهیه پیش‌نویس آیین دادرسی خود را شروع نمود. به همین جهت، دادگاه آیین دادرسی و رویه‌های دادگاهها و دیوانهای بین‌المللی دیگر، بویژه دیوان بین‌المللی دادگستری را مورد مطالعه قرار داد.

در اکتبر ۱۹۹۷، دادگاه آیین‌نامه داخلی، قطعنامه راجع به آیین کار داخلی و دستورالعمل مربوط به نحوه تنظیم و ارائه پرونده‌ها نزد دادگاه را تصویب نمود.

یک ماه بعد یعنی در نوامبر ۱۹۹۷ دادگاه اولین دادخواست را که از طرف سن وسان* و گرینادینز** به طرفیت گینه برای رفع سریع توقیف کشتی و آزادی خدمه آن، که بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون تسلیم شده بود، دریافت نمود. در این دادخواست از دادگاه تقاضا شده بود که دستور لازم را برای رفع توقیف ام/وی «سایگا»،*** تانکر نفتی‌ای که در ساحل آفریقای جنوبی توسط مقامات گینه توقیف گردیده بود، صادر نماید. رأی این پرونده در ۴ دسامبر همان سال (کمی بیش از یک ماه پس از توقیف کشتی) و پس از سه هفته از ثبت دادخواست صادر گردید.

متعاقباً، در فوریه ۱۹۹۸، طرفین پرونده مذکور توافق کردند که دادگاه وارد ماهیت دعوی شود. این بار پرونده ام/وی «سایگا» (شماره ۲) با تمرکز بر پاره‌ای موضوعات از جمله حقوق و صلاحیت دولت ساحلی، آزادی دریانوردی و تعقیب فوری مطرح گردید. در ۱۱ مارس ۱۹۹۸ دادگاه بر اساس بند ۱ ماده ۲۹۰ کنوانسیون دستور موقت صادر نمود، ولی تصمیم نهایی اتخاذ نکرد تا این که در اول ژوئیه ۱۹۹۹ رأی خود را در

*. Saint Vincent.

** . Grenadines.

***. M / V "Saiga".

ماهیت دعوی صادر کرد.

سومین و چهارمین پرونده دادگاه شامل دادخواست‌هایی بود که از سوی زلاندنو و استرالیا برای تعیین اقدامات موقت در خصوص ماهی تن جنوبی* مطرح شده بود. استرالیا و زلاندنو مدعی شدند که ژاپن با اجرای یکجانبه برنامه ماهیگیری آزمایشی، در همکاری برای حفظ و مدیریت ذخایر ماهی تن جنوبی قصور کرده است. مقصود این دو کشور آن بود که میزان ماهی تنی که مطابق برنامه مذکور باید برداشت می‌شد، می‌توانست موجودیت ذخایر را به مخاطره بیندازد.

استرالیا و زلاندنو درصدد برآمدند تا این اختلاف را مطابق آیین داورى که در پیوست شماره ۷ کنوانسیون مقرر شده، به داورى ارجاع نمایند و از دادگاه هامبورگ خواسته شد تا زمان تشکیل یک دیوان داورى (بر اساس بند ۵ ماده ۲۹۰ کنوانسیون) اقدامات موقتی را مشخص سازد. ویژگی منحصر به فرد دادگاه هامبورگ این است که اقدامات موقت نه تنها برای حفظ حقوق طرفین، بلکه برای «پیشگیری از صدمه شدید به محیط زیست دریایی» تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی دادگاه می‌تواند تجویز گردد.

در ۲۷ اوت ۱۹۹۹، دیوان دستوری صادر کرد و بر اساس آن، از جمله، اعلام نمود که «حفظ منابع زنده دریا در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی یک اصل است» و نیز مقرر داشت که طرفین باید میزان ماهیگیری از ماهی تن جنوبی را در حدی که آخرین بار توسط طرفها توافق شده رعایت نمایند، و نیز باید از اجرای برنامه ماهیگیری آزمایشی خودداری کنند.

در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۰، پنجمین قضیه‌ای که نزد دادگاه مطرح شد،

*. Southern Bluefin Tuna.

دعوایی از سوی پاناما به طرفیت فرانسه بود. در این قضیه پاناما از دادگاه درخواست کرد تا دستور رفع سریع توقیف «کاموکو»^{*} - کشتی ماهیگیری ای که پرچم پاناما را برافراشته بود و در سپتامبر ۱۹۹۹ توسط ناو فرانسوی در منطقه انحصاری اقتصادی جزایر کروزت^{**} توقیف شده بود - را صادر نماید.

قبلاً در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۹، دادگاهی ضمن تأیید حکم توقیف کشتی مذکور مقرر نمود که رفع توقیف آن به شرط تودیع وجه الضمان به مبلغ بیست میلیون فرانک فرانسه امکان پذیر است. پاناما این مبلغ را گزاف دانسته و معتقد بود که بر اساس مفاد کنوانسیون «عادلانه» نبوده و از دادگاه تقاضا کرد تا دستور رفع سریع توقیف کشتی و آزادی ناخدای آن را در قبال پرداخت وجه الضمانی عادلانه صادر کند.

در ۷ فوریه ۲۰۰۰، رأی دادگاه در پرونده مذکور صادر گردید. بر اساس این رأی دستور رفع توقیف کشتی پیشگفته و آزادی ناخدای آن مشروط به تودیع وجه الضمان صادر شد. دادگاه در تصمیم خود عواملی را که در تعیین مبلغ وجه الضمان مهم بوده، برشمرد و در خصوص نحوه تودیع آن نیز دستورات لازم را صادر کرد.

در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۰، ششمین قضیه از سوی سیشل^{***} به طرفیت فرانسه در رابطه با رفع توقیف کشتی «مونت کون فرکو»^{****} و آزادی ناخدای آن مطرح شد. دادگاه رأی خود را در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۰ صادر کرد و بر اساس آن به رفع سریع توقیف کشتی و آزادی ناخدا در قبال تودیع وجه الضمان یا تأمین دیگر دستور داد.

*. Camouco.

** Crozet Islands.

*** Seychelles.

**** Monte Confurco.

ضمناً، در ۲۰ آوریل ۲۰۰۱، دادگاه رأی خود را در قضیه «گرانند پرنس»* بین کشور بلژیک و کشور فرانسه بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون صادر نمود.

گرچه تعداد قضایایی که از سوی دادگاه تصمیم‌گیری شده‌اند محدود بوده، ولی دادگاه در روشن نمودن تعدادی از مقررات اصلی کنوانسیون نقش به‌سزایی داشته است. برخی مفسرین برجسته به این نکته توجه دارند که، «آنهايي که معتقدند نتایج رسیدگی به اختلافات، غالباً منعکس‌کننده تمایلات ذاتی دولت متبوع قضات است، از عملکرد دادگاه متعجب خواهند شد».^{۱۴}

دادگاه برای تمامی زمینه‌های کاری اهمیت زیادی قائل می‌شود و در عین حال تلاش می‌کند تا حد امکان در هزینه‌ها صرفه‌جویی کند و تا آنجا که ممکن بوده این روش را در رویه خویش منعکس ساخته است. دادگاه کاملاً بر ضرورت به حداقل رساندن هزینه‌های دادرسی بین‌المللی طرفه‌ای که در تأمین بودجه دادگاه سهیم هستند آگاه است. در این خصوص دادگاه امیدوار است تا از پیشرفت در تکنولوژی منتفع شود. در پرونده «کامو کو» دادگاه مایل بود امکان ثبت شهادت شاهد از طریق سیستم ویدئو کنفرانس را تجربه کند. صورتجلسات استماع دعاوی نزد دادگاه در عرض چند ساعت پس از اختتام جلسه، روزانه در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملل قرار می‌گیرد. به زودی دادگاه پایگاه اطلاع‌رسانی مختص به خود خواهد داشت.* امکانات چند رسانه‌ای اتاقهای دادگاه در جلسات استماع برای

*. Grand Prince.

۱۴. نک. تفسیری که توسط بی. اچ. اوکسمن (B.H.Oxman)، وی. پی. بانتز (V.P.Bantz) در قضیه «کامو کو» ارائه شده است (AJIL 94 (2000), 719).

** در حال حاضر این پایگاه اطلاع‌رسانی شروع به کار کرده است که نشانی آن به قرار زیر است (م).
<http://www.itlos.org>

تسهیل ارائه نظرات و ادله طرفین مورد استفاده قرار می‌گیرد. سعی و تلاش دادگاه همواره این است که دسترسی به این پایگاه اطلاع‌رسانی آسان‌تر انجام شود.

۴. نمایندگی حقوقی

در دادرسی قضایی بین‌المللی، این دولت است که تصمیم می‌گیرد چه کسی باید نماینده آن در دادگاه باشد؛ به این ترتیب وظیفه دولت است که مراقب باشد، مشاور یا وکیل مدافعی که از سوی وی در دادگاه حضور می‌یابد در حقوق بین‌الملل بویژه در حقوق دریا متخصص باشد. در سیستم رسیدگی ترافیعی انتظار به حق یک دادگاه این است که در نیل به تفسیر یا اعمال کنوانسیون، از سوی وکلای ذی‌صلاح یاری شود.

در دادرسی مربوط به رفع سریع توقیف مطابق ماده ۲۹۲ کنوانسیون، درخواست رفع توقیف می‌تواند به وسیله دولت صاحب پرچم یا به نیابت از آن انجام گیرد. این که یک دولت صاحب پرچم اجازه ارائه دادخواستی را از سوی خود تا زمانی که نسبت به موارد زیر مطمئن نشده است ندهد با الزامات عدالت بین‌الملل سازگار خواهد بود. این موارد عبارتند از این که وکیلی که از سوی آن دولت در دادگاه شرکت می‌کند در حقوق دریا متخصص باشد، حق ارائه دادخواست مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، اظهاراتی که از طرف آن دولت ارائه می‌شود قبل از آن که ابراز گردد توسط آن (دولت) مورد بازنگری قرار گیرد و بالاخره نمایندگان آن دولت در طول رسیدگی به آن قضیه حضور داشته باشند.^{۱۵} اگر دولتی موفق به مذاقه در دادخواستها یا استدلالهای ارائه شده از سوی وکیل نگردد، این خطر وجود

۱۵. همچنین نک. بیانیه قاضی ویژه (Cot) در قضیه «گراندپرنس» راجع به نقش وکلای نزد دادگاه.

"Grand Prince" (Belize v. France), 20 April 2001, available at:

http://www.un.org/Depts/los/itlos_new/Case8_Grand_Prince/8Declaration Cot.pdf.

خواهد داشت که وکلای خصوصی که توسط صاحبان کشتی استخدام می‌شوند بدون توجه به منافع آن دولت اقدام نمایند یا به نام آن دولت وارد دعوی واهی و بی‌اساس شوند.

۵. دسترسی به دادگاه

فرآیند دادرسی بین‌المللی، به طور سنتی به حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها اطلاق می‌شود. بدین منظور دادگاه یا دیوان بین‌المللی، موافقتنامه بین‌المللی لازم‌الاجرا و سایر قواعد حقوق بین‌الملل را که قابل اعمال در قضیه باشد به کار می‌برد. دیوان بین‌المللی دادگستری نمونه کلاسیک یک نهاد دادرسی بین‌المللی به مفهوم سنتی آن است. مفهوم دادرسی بین‌المللی حتی در روابط بین‌المللی معاصر نیز اعتبار خود را به نحو کامل از دست نداده است.

کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا حاصل توافق بین دولت‌ها بوده و این‌گونه مقرر می‌دارد که باب تمامی شیوه‌های حل و فصل اختلافات که در قسمت پانزدهم آن پیش‌بینی گردیده به روی دولت‌های عضو مفتوح است.^{۱۶} بدون تردید دادگاه یک مرجع دادرسی است که اساساً برای حل اختلافات بین‌الدولی می‌باشد. این طور مقرر شده که کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین‌الملل که با کنوانسیون ناسازگاری نداشته، اعمال گردند.^{۱۷} موضوع مورد بحث کنوانسیون، منابع موجود در اقیانوسها و دریاها می‌باشد، بنابراین کنوانسیون دارای آثار اقتصادی گسترده‌ای است. همچنین کنوانسیون مقرراتی در مورد اختلافات مربوط به موافقتنامه‌های بین‌المللی دیگر که «مرتبط با اهداف آن باشد» وضع نموده است. بدین ترتیب

۱۶. نک. ماده ۲۹۱ کنوانسیون.

۱۷. نک. ماده ۲۹۳ کنوانسیون.

کنوانسیون حل و فصل اختلافات راجع به تعداد بی‌شماری از موضوعات ناشی از خود کنوانسیون یا هر موافقتنامه بین‌المللی که مرتبط با اهداف آن باشد را پیش‌بینی کرده است. با لحاظ مطالب فوق می‌توان گفت که کنوانسیون از مفهوم سنتی دادرسی بین‌المللی عدول نکرده است. در ترتیبات قراردادی که با دول طرف کنوانسیون، مؤسسات دولتی و غیردولتی، بویژه در بهره‌برداری از منابع تنظیم می‌گردد، دسترسی این مؤسسات به دادگاه و شعبه اختلافات مربوط به بستر دریا نتایجاً باید پیش‌بینی گردد.

کنوانسیون، دسترسی مؤسسات غیردولتی به دادگاه و نیز شعبه اختلافات مربوط به بستر دریا را پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۹۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد که باب شیوه‌های حل و فصل اختلافات، از جمله شیوه‌هایی که مستلزم صدور تصمیمات الزام‌آور می‌باشد، به روی دولتهای طرف کنوانسیون و مؤسسات (به غیر از دولتهای طرف کنوانسیون) «فقط تا حدودی که صراحتاً در کنوانسیون مقرر شده» مفتوح است. بدین منظور مقررات ویژه‌ای در اساسنامه دادگاه پیش‌بینی گردیده است. مخصوصاً بر اساس ماده ۲۰ اساسنامه، باب دادگاه به روی مؤسسات (به غیر از دولتهای طرف کنوانسیون) در دو دسته از قضایا مفتوح گردیده است:

(الف) اختلافاتی که صراحتاً در محدوده بخش یازدهم کنوانسیون قرار گرفته و به منطقه بین‌المللی بستر مربوط می‌گردند، و (ب) اختلافاتی که بر اساس هر «موافقتنامه‌ای که به دادگاه اعطای صلاحیت نموده و مورد قبول همه طرفهای آن اختلاف بوده»، مطرح گردیده است.

دسته اول اختلافاتی هستند که باید توسط شعبه اختلافات مربوط به بستر دریا یا حسب مورد به وسیله شعبه ویژه دادگاه یا یک شعبه موقتی رسیدگی کننده به اختلافات مربوط به بستر دریا تصمیم‌گیری شوند. در حل

و فصل این دعاوی، خود هیأت عمومی دادگاه مستقیماً نقشی ندارد. بر اساس بند ۵ از ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه، رأیی که از سوی هر یک از شعب صادر می‌شود باید به عنوان رأی صادره توسط دادگاه تلقی گردد. آنچه که در این زمینه حائز اهمیت می‌باشد این واقعیت است که مؤسسات دولتی، سازمانهای بین‌المللی و اشخاص حقیقی یا حقوقی که از حمایت دولتهای امضاکننده برخوردار هستند، مانند دولتها بتوانند در اختلافات ناشی از ترتیبات قراردادی با مقام بستر دریا،* راجع به فعالیتهای مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع منطقه، طرف قرارداد واقع شوند.

دسته دوم از اختلافات مطابق ماده ۲۰ اساسنامه، اختلافاتی هستند که بر اساس هر «موافقتنامه دیگری که به دادگاه اعطای صلاحیت نموده و مورد قبول همه طرفهای آن پرونده بوده»، باشد. ماده ۲۱ اساسنامه به صلاحیت مربوط می‌شود و مقرر می‌دارد که صلاحیت دادگاه نه فقط شامل اختلافاتی است که مطابق کنوانسیون به آن ارجاع می‌گردد، بلکه به همه موضوعاتی که صراحتاً در «هر موافقتنامه دیگری که به دادگاه اعطای صلاحیت نماید» پیش‌بینی شده، گسترش می‌یابد. راجع به این که مقصود از «هر موافقتنامه دیگر» مذکور در مواد ۲۰ و ۲۱ اساسنامه چیست، اختلاف نظر وجود دارد. آیا این عبارت شامل موافقتنامه‌های منعقدہ بین مؤسسات خصوصی و یا بین دولتها و مؤسسات خصوصی می‌گردد؟ آیا کنوانسیون این طور مقرر می‌دارد که ترتیبات قراردادی به دادگاه اعطای صلاحیت می‌نماید؟ این سؤال مطرح است که آیا اصطلاح «هر موافقتنامه دیگر»، مذکور در ماده ۲۰ که بلافاصله پس از عطف به کنوانسیون آمده، قراردادهایی را که مشمول حقوق داخلی بوده مستثنی کرده و فقط شامل موافقتنامه‌هایی است که حقوق بین‌الملل بر آنها حکمفرما است؟

*. Seabed Authority.

ارزشمند است که در این خصوص به موضوع کنوانسیون توجه شود. منظور از تدوین اساسنامه، جایگزینی آن به جای کنوانسیون نمی‌باشد، بلکه فقط منظور تکمیل مقررات کنوانسیون بوده است. اساسنامه در پی آن است که محتوای آن در مورد مسائل مربوط به دادگاه کافی باشد و بنابراین به موضوعاتی نظیر صلاحیت، دسترسی به دادگاه و قانون حاکم مربوط می‌گردد، گرچه کنوانسیون نیز به آنها می‌پردازد. ماده ۲۳ اساسنامه که به قانون حاکم مربوط می‌شود، صرفاً توجه را به ماده ۲۹۳ کنوانسیون جلب می‌کند که به همان موضوع می‌پردازد. ماده ۲۰ اساسنامه که راجع به دسترسی به دادگاه است، در واقع بند ۲ از ماده ۲۹۱ کنوانسیون را با تصریح این که شیوه‌های حل و فصل اختلافات پیش‌بینی شده در کنوانسیون در دسترس مؤسسات به غیر از دولتهای طرف کنوانسیون می‌باشد، به اجرا درمی‌آورد. در چارچوب کنوانسیون می‌توان گفت که ماده ۲۱ اساسنامه که به صلاحیت می‌پردازد، تا آنجایی که به «موافقتنامه دیگری که به دادگاه اعطای صلاحیت می‌کند» اشاره می‌نماید، مقررهای است که باید با ماده ۲۸۸ کنوانسیون که به صلاحیت دادگاه مربوط می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. گرچه این ماده به صلاحیت دادگاه می‌پردازد (از میان مراجع مذکور در ماده ۲۸۷ کنوانسیون)، اما در عین حال اذعان می‌دارد که صلاحیت دادگاه به «هر موافقتنامه بین‌المللی که مرتبط با اهداف کنوانسیون باشد» نیز گسترش می‌یابد. دو نتیجه مهم از مقررهای مذکور به دست می‌آید: اولاً، صلاحیت دادگاه ناظر بر اختلافات ناشی از توافقاتی است که «یک موافقتنامه بین‌المللی» نامیده می‌شود و ثانیاً، چنین موافقتنامه‌ای باید «مرتبط با اهداف کنوانسیون باشد».

اهداف کنوانسیون می‌تواند از مقدمه آن استنتاج شود. مقدمه کنوانسیون تصدیق می‌کند که مسائل مربوط به فضای اقیانوس رابطه متقابل

و نزدیکی با یکدیگر دارند و لازم است که در مجموع مورد بررسی قرار گیرند. بند چهارم مقدمه آرزوی ایجاد یک نظم حقوقی برای دریاها و اقیانوسها را بیان کرده که ارتباطات بین‌المللی را تسهیل نموده و موجب گسترش استفاده صلح‌آمیز از دریاها و اقیانوسها، بهره‌برداری منصفانه و کارآمد از منابع دریاها و اقیانوسها، حفظ ذخایر زنده آنها و مطالعه، حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی می‌گردد. مقدمه از موارد پیشگفته به عنوان «اهداف» کنوانسیون نام برده است. موافقتنامه‌های دیگری که به دادگاه اعطای صلاحیت می‌نمایند، باید موافقتنامه‌هایی باشند که مرتبط با اهداف کنوانسیون بوده یا بر آنها تأثیر بگذارند. نکته حائز اهمیت این است که چنین موافقت‌هایی مانند خود کنوانسیون می‌توانند باب دادگاه را نه فقط به روی دول طرف کنوانسیون بلکه به روی مؤسسات غیردولتی مفتوح نمایند. مقصود این بوده است که از شیوه‌ای از هم گسیخته در حل مسائل مربوط به فضای اقیانوس یا مسائلی که بر اهداف کنوانسیون تأثیرگذار بوده، که نتیجتاً لازم است در مجموع مورد بررسی قرار گیرند، خودداری شود.

این همان رویکردی است که باعث شد مجمع عمومی سازمان ملل در پنجاه و چهارمین اجلاس خود درخواست ارائه پیشنهادهایی را بنماید که موجب گسترش هماهنگی و همکاری و نیل به انسجام بهتر راجع به امور مربوط به اقیانوس در نظام سازمان ملل، به طور کلی گردد، و در راستای این هدف، یک روند مشورتی غیررسمی و مستمر تأسیس نماید.^{۱۸}

۶. توسعه و گسترش دادگاههای بین‌المللی

در سالهای اخیر نظرات زیادی در مورد گسترش دیوانهای بین‌المللی

18. UN Doc. A/RES/54/33 of 24 November 1999.

و تعارضهای احتمالی آنها با یکدیگر مطرح شده است.^{۱۹} به نظر می‌رسد که اکثر صاحب‌نظران رشد دیوانهای بین‌المللی را به دیدهٔ یک تحول مثبت می‌نگرند.

تردیدی نیست که دیوان بین‌المللی دادگستری، «برجسته‌ترین دیوان بین‌المللی جهان» و تا چندی پیش تنها دیوان جهانی بوده است، اما نگرانی‌های ابراز شده در دو دهه اخیر راجع به این که توسعه مراجع قضایی دیگر، می‌تواند یکپارچگی حقوق بین‌الملل را خدشه‌دار کند، با توجه به یافته‌های تجربی، مورد تأیید و تصدیق قرار نگرفته است.^{۲۰}

دیوان بین‌المللی دادگستری هرگز تنها مرجع رسیدگی‌کننده به اختلافات دولتها نبوده است. قبل و بعد از تأسیس این دیوان شماری دیوان داوری موقتی، کمیسیونهای مختلط، دیوانهای ویژه و مراجع قضایی منطقه‌ای به اختلافات بین دولتها، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل رسیدگی کرده‌اند. وظایف کمیسیونهای تحقیق که توسط سازمانهای بین‌المللی تأسیس می‌شوند غالباً شبه قضایی است و هرگز مخالفت جدی با تأسیس

19. T. Treves, "Conflicts Between the International Tribunal for the Law of the Sea and the International Court of Justice", *NYU J. Int'l L. & Politics* 31 (1999), pp. 809-821; G. Hafner, "Should One Fear the Proliferation of Mechanisms for the Peaceful Settlement of Disputes?", in L. Caflisch (ed.), *The Peaceful Settlement of Disputes between Universal and European Perspectives*, 1998, pp. 25-41; A. Boyle, "Dispute Settlement and the Law of the Sea Convention: Problems of Fragmentation and Jurisdiction", *ICLQ* 46 (1997), pp. 37-54; J. Charney, "The Implications of Expanding International Dispute Settlement Systems. The 1982 Convention on the Law of the Sea", *AJIL*, 90 (1996), pp. 69-75; R. Y. Jennings, "The Judiciary, International and National, and the Development of International Law", *ICLQ* 45 (1996), pp. 1-12; I. Brownlie, "Blaine Sloan Lecture: The Peaceful Settlement of International Disputes in Practice", *Pace Int'l Law Review* 7 (1995), pp. 257-279; G. Guillaume, "The Future of International Judicial Institutions", *ICLQ* 44 (1995), pp. 848-862; S. Oda, "Dispute Settlement Prospects in the Law of The Sea", *ICLQ* 44 (1995), pp. 863-872.

20. J. Charney, "Is International Law Threatened by Multiple International Tribunals?" RDC 271 (1998), pp. 115-382.

این نوع مراجع نشده است. کمیسیونهای مذکور نیازهای تکمیلی را مرتفع می‌سازند.

ممکن است این گونه تصور شود که تأسیس دیوانهای جدید تخصصی جهانی با ویژگی دائمی (مانند دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، دیوان کیفری بین‌المللی و محاکمی چون محاکم بین‌المللی برای تعقیب جرائم جنگی در یوگسلاوی سابق و رواندا)، از یک طرف موجب بروز نگرانی در مورد آینده حقوق بین‌الملل شده و از طرف دیگر، منجر به طرح پیشنهادهایی دائر بر این که این دیوانها باید نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در مسائل حقوقی کسب نمایند، گردد.

دادگاه بین‌المللی حقوق دریا به نوبه خود در مواردی که مناسب تشخیص دهد در دستورات و آرای خود به تصمیمات دادگاهها و محاکم بین‌المللی دیگر استناد و یا اشاره می‌کند.^{۲۱} باید امیدوار بود که هر دیوان یا دادگاه بین‌المللی گرچه فی‌نفسه مستقل است، ولی از تصمیمات مراجع دیگر غافل نماند تا نتیجتاً توسعه موزون حقوق بین‌الملل تضمین گردد. همانگونه که مشهور است دیوانها نه فقط به مسائل خاص مانند حقوق دریاها و جرائم جنگی رسیدگی می‌کنند، بلکه به مسائل دیگری نظیر حقوق معاهدات و حقوق بین‌الملل عام که مرتبط با موضوعات ویژه‌ای است که نزد آنها مطرح می‌شود، نیز می‌پردازند. برداشتهای متفاوت مراجع رسیدگی کننده از حقوق و انصاف، لزوماً نباید به عنوان یک توسعه منفی نگریسته شود. احترامی که تصمیمات صادره از این مراجع، بین طرفین اختلاف و اندیشمندان برمی‌انگیزند از اهمیت برخوردار است. «قطعنامه سازمان ملل راجع به دهه حقوق بین‌الملل» که در پنجاه و چهارمین اجلاس مجمع

۲۱. نک. قضیه ام/وی «سایگا» (شماره ۲)، رأی مورخ اول ژوئیه ۱۹۹۹، بندهای ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۵۶ و ۱۷۰؛ و قضایای ماهی تن جنوبی، درخواست اقدامات موقت، دستور مورخ ۲۷ اوت ۱۹۹۹، بند ۴۴. تصمیمات دادگاه در وب سایت سازمان ملل متحد <<http://www.un.org/Depts/105>> در دسترس است.

عمومی به تصویب رسیده، تأسیس دیوانهای داوری را در دوران اخیر که از «حوادث مهم» در دهه سازمان ملل تلقی می‌گردد، به رسمیت می‌شناسد.^{۲۲}

تأثیر عملی دسترسی طرفین اختلاف به دیوانهای بیشتر چه بوده است؟ عملاً تعداد منازعات بیشتری توسط طرفین از طریق روش مورد انتخاب آنها (که به اشاعه حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی کمک می‌کند)، حل و فصل شده است. این موضوع قابل تأکید است که مراجع تخصصی حل و فصل اختلاف، متشکل از اشخاصی است که دارای صلاحیت شناخته شده در زمینه‌هایی هستند که دیوانهای مربوط، به آنها می‌پردازند. برای مثال قضاات دادگاه نه فقط به دلیل تأثیرشان بر حقوق دریا، بلکه در زمینه حقوق بین‌الملل عام نیز شناخته شده‌اند. طبیعی است اگر دولت‌ها بخواهند اختلافات خود را حل و فصل نمایند، باید از طریق دیوانهایی اقدام نمایند که متشکل از قضاات متخصص در موضوعات مربوط هستند.

همچنین عامل دیگر که از اهمیت کمتری هم برخوردار نبوده این است که شرایط بین‌المللی معاصر ایجاب می‌کند که دامنه صلاحیت دیوانهای داوری شامل اختلافات نهادهای غیردولتی هم بشود. اختلافات مربوط به جرائم جنگی، حقوق بشر، استخراج معدن، تجارت و غیره نمی‌توانند به طور واقع بینانه مورد رسیدگی قرار گیرند، مگر آن که به سازمانهای بین‌المللی، مؤسسات دولتی و اشخاص حقیقی یا حقوقی، حسب مورد، حق شرکت در دادرسی* در مراجع رسیدگی‌کننده بین‌المللی اعطا شده باشد، زیرا این حق جزء حقوق و تکالیف مراجعی است که مستقیماً به چنین منازعاتی می‌پردازند. دیوان بین‌المللی دادگستری در جایگاهی نیست که بتواند به

22. UN Doc. A/RES/54/28 of 17 November 1999.

*. *Locus Standi*.

چنین اختلافاتی رسیدگی کند.

تا تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۳، دیوان بین‌المللی دادگستری ۲۳ پرونده در دستور کار داشته و این تعداد ممکن است به تدریج افزایش پیدا کند. در حال حاضر کار دیوان متراکم است و چنانچه حل و فصل تعداد پرونده‌ها به میزان کنونی، یعنی دو یا سه فقره اختلاف در سال باقی بماند، این احتمال وجود دارد که نتواند میزان بیشتری از اختلافات را در چارچوب زمانی معقول رسیدگی نماید. بنابراین ملاحظات عملی نیز در این موضوع نقش دارد.

اهمیت دیوان بین‌المللی دادگستری در نظام جهانی نمی‌تواند به هیچ‌وجه ناچیز شمرده شود. دیوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل بوده و تنها مرجع بین‌المللی است که صلاحیت عام دارد و نقش آن در توسعه حقوق بین‌الملل انکارناپذیر است. دیوان هنوز هم برای حل و فصل دسته خاصی از اختلافات، بویژه اختلافاتی که جنبه سیاسی - حقوقی دارند به عنوان یک مرجع برتر شناخته می‌شود.

جامعه بین‌المللی در شرایطی که دولتها موفق به حل و فصل منازعات خود به طرق مسالمت‌آمیز نگردند، تاکنون تمایلی به پذیرش حرکت خودبخود (اتوماتیک) به سوی شیوه‌های اجباری که مستلزم اتخاذ تصمیمات الزام‌آور می‌گردد، نشان نداده است. هرچند ممکن است پذیرش جهانی این شیوه‌های اجباری در خور ستایش باشد، لیکن در حال حاضر عملی نیست. با وجود این، تاکنون پیشرفتهای قابل توجهی در این زمینه به وجود آمده است. کنوانسیون ۱۹۹۵ در مورد ماهیان دو مکانی و موافقتنامه ۱۹۹۵ راجع به ماهیان مهاجران بزرگ،* در واقع روندی را در جهت صحیح به حرکت انداخته‌اند. بر اساس این اسناد، دولتهای عضو از میان چند آیین

*. The Agreement on Highly Migratory Fish Stocks.

اجباری که مستلزم تصمیمات الزام‌آور است، از حق انتخاب وسیعی برخوردار می‌باشند. این اسناد با پیش‌بینی مراجع متعدد که همه آنها دارای موقعیت و آثار مساوی هستند، توافق در مورد حل و فصل اختلافات را ممکن ساخته‌اند. کنوانسیون محدودیتها و استثنائات اختیاری را در مورد قابلیت اجرای آیین‌های اجباری پیش‌بینی کرده است. معه‌ذا آنچه که در مورد حل و فصل اختلافات از طریق اشخاص ثالث پیش‌بینی شده است، دستاورد کمی نیست. به دلیل اجبار به حل و فصل یکجا و قطعی موضوعات گسترده‌تری که کنوانسیون به آنها می‌پردازد، تا حدود زیادی آیین حل و فصل مذکور ممکن گردید. همچنین تعهدات ناشی از نظام تجارت جهانی ایجاب نمود که سازمان تجارت جهانی* نظامی مؤثر برای حل و فصل اختلافات پیش‌بینی نماید. این امر موجب ایجاد حجم قابل ملاحظه کار در مراجع بدوی و تجدید نظر شده است. به نظر نمی‌رسد که موضوع در زمینه‌های دیگر به قدری ساده باشد که به اجبار دولتها در توافق به حل و فصل از طریق اشخاص ثالث منجر نگردد.

۷. شیوه‌های کاری

عامل بازدارنده‌ای که در رجوع به دیوانهای بین‌المللی نقش دارد به شیوه‌های کاری آنها مربوط می‌گردد. اخیراً توجه و کلاهی حرفه‌ای به آیین‌ها و شیوه‌های کاری دیوان بین‌المللی دادگستری جلب گردیده و اصلاحاتی را در این خصوص پیشنهاد کرده‌اند.^{۲۳} رئیس وقت دیوان بین‌المللی دادگستری در سخنرانی خود در اجلاس عادی مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۹، این‌گونه اظهار داشت که «دیوان باید به

*. World Trade Organisation.

۲۳. نک.

D.W.Bowett et al., The International Court of Justice: Process, Practice and Procedure, 1997.

چالش جدید یعنی این که ورود دعاوی نسبت به خروج آرای صادره سریع تر رخ می دهد پاسخگو باشد». «اکنون با تجربه آموزی از بررسی شیوه های کاری دیوان، بازنگری در آیین دادرسی و رویه آن به منظور تسریع روند رسیدگی آغاز شده است».

دادگاه از نخستین جلسه اش در اکتبر ۱۹۹۶، نشان داده که تمایل دارد تا کارایی، مقرون به صرفه بودن و تمسک به شیوه های آسان دسترسی به اجرای عدالت را تضمین نماید. بدین منظور اصلاحاتی را بر اساس موارد ذیل ارائه کرده است: (۱) آیین دادرسی دادگاه؛ (۲) قطعنامه راجع به آیین کار داخلی دادگاه؛ و (۳) دستورالعمل های مربوط به آماده سازی و ارائه پرونده نزد دادگاه. آیین دادرسی مذکور مقرر می دارد که رسیدگی نزد دادگاه باید بدون تأخیر و هزینه های غیر ضروری انجام گیرد. برای تقدیم لوایح موعد معینی تعیین شده است. قطعنامه مذکور یک نظام مشخص یادداشت برداری از سوی قضات را در شیوه های داخلی آنان پیش بینی نکرده است. دستورالعملها شرایط جدیدی را در خصوص اندازه، شکل و شیوه ارائه لوایح و برگزاری جلسات استماع و استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی مقرر داشته اند. برای ارائه اظهارات و دفاعیات شفاهی، موعد مشخص تعیین شده، به نحوی که برای طرفین مشکلی ایجاد نگردد.

دادگاه تاکنون در خصوص هفت پرونده تصمیم گیری کرده و توانسته در زمانی نسبتاً کوتاه دستورات و آرای خود را در این قضایا صادر نماید. دادگاه برای عینیت بخشیدن به اهداف خود در خصوص ضرورت حل و فصل سریع اختلافات بین المللی تلاش ویژه ای را معمول داشته است. طرفین اختلاف در رسیدگی های مربوط به رفع توقیف بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون، بر مشکلاتی تأکید می نمایند که ناشی از پیروی از موعدی است که در آیین دادرسی دادگاه در رابطه با ثبت لایحه جوابیه از سوی

خوانده و بررسی آن توسط خواهان پیش از آغاز شور می‌باشد. دادگاه در پرتو تجربیاتی که در رسیدگی به اختلافات مربوط به رفع سریع توقیف کسب نمود، آیین دادرسی خود را بازنگری کرد. در ۱۵ مارس ۲۰۰۱، دادگاه مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ قواعد دادرسی‌اش را اصلاح نمود. درحالی‌که پیش از اصلاحات بر اساس ماده ۲۹۲ کنوانسیون، دادخواست می‌بایست در مدت ۲۱ روز مورد رسیدگی قرار گیرد، اما پس از اصلاحات این مدت به ۳۰ روز افزایش یافته است. هر چند دادگاه علاقمند به صدور آراء در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌باشد، ولی باید مشکلات و شرایط طرفین را مد نظر قرار دهد.

۸. اجرای تصمیمات

مسأله اجرای تصمیمات صادره از دیوانهای بین‌المللی نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریا که در مرحله پس از دادرسی مطرح می‌شود، فی حد ذاته در قلمرو صلاحیتی مراجع قضایی قرار نمی‌گیرد. این قاعده حتی در مورد محاکم داخلی نیز جاری خواهد بود. آنچه که تصمیمات دادگاههای داخلی را از دیوانهای بین‌المللی متمایز می‌سازد، این است که تصمیمات محاکم داخلی می‌تواند با کمک سازمانهای دولتی به اجرا درآیند، حال آن که آرای دیوانهای داوری با چنین مکانیزمهای اجرایی همراه نیستند.

در مورد دیوان بین‌المللی دادگستری، منشور سازمان ملل وظیفه اجرای آرای دیوان را برعهده شورای امنیت گذاشته است. محدودیتی که تاکنون در استناد به این فرآیند اجرا وجود داشته و اساساً از نظر ماهوی سیاسی بوده، این است که هنوز منفعت کامل فرآیند مذکور ارزیابی نشده است، ولی بدیهی است که فرآیند مذکور عملاً در رابطه با اعضای دائم

شورای امنیت خیلی سودمند به نظر نمی‌رسد.

کنوانسیون مقرر می‌دارد تصمیم اتخاذ شده توسط دادگاه یا دیوانی که بر اساس بخش دوم از قسمت پانزدهم کنوانسیون صلاحیت رسیدگی داشته، قطعی بوده و باید از سوی همه طرفهای اختلاف به اجرا درآید.^{۲۴} اجرای فی‌نفسه فقط به طرفهایی واگذار می‌شود که خودشان را تسلیم صلاحیت چنین دادگاهها یا دیوانهایی می‌کنند، لذا طرفین، متعهد به ایفای با حسن نیت تصمیم اتخاذ شده می‌باشند. دولت متضرر مختار است تا اجرای تصمیم را به طرق دلخواه خودش که در حقوق بین‌الملل در این خصوص تجویز گردیده و همچنین با توسل به اقدامات دیپلماتیک کلی‌تر تضمین نماید. دول ثالث هم می‌توانند در حمایت از تصمیم دادگاه با رعایت تشریفات قانونی اقدام نمایند.

طرفهایی که در نتیجه عدم تبعیت از تصمیمات دادگاه توسط دول متخلف متضرر می‌گردند دادگاه را در جریان امر قرار می‌دهند. در صورتی که دادگاه مناسب تشخیص دهد توجه دول طرف کنوانسیون را به گزارشهایی که در این خصوص دریافت کرده، جلب می‌نماید. از این رو گزارش سالیانه دادگاه در سال ۲۰۰۰ که به اجلاس یازدهم دولتهای طرف کنوانسیون ارسال شد، از جمله شامل گزارشهایی بود که از دول مذکور در خصوص اجرای آرای دادگاه ارائه گردیده بود. اقدام دادگاه برای جلب توجه دول طرف کنوانسیون به این گزارشها را نباید به منزله نظر دادگاه راجع به محتوای آنها تلقی نمود.

توجه به این موضوع باعث دلگرمی است که بیانیه هزاره سازمان ملل^{۲۵} مناسب تشخیص داد تا از اعضای این سازمان درخواست کند تا

۲۴. نک. ماده ۲۹۶ کنوانسیون.

۲۵. نک.

«تبعیت» از آرای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری براساس منشور سازمان ملل را در اختلافاتی که طرف آن هستند، تضمین نمایند. گرچه این امر در بیانیه مزبور تصریح نشده، لیکن قاعده مذکور با اثر یکسان در مورد همه دادگاهها و دیوانها اعمال می‌گردد، اعم از این که در چارچوب نظام سازمان ملل یا خارج از آن تأسیس شده باشند. در حقیقت هرچند مجمع عمومی سازمان به «اقیانوسها و حقوق دریا» پرداخته است، ولی به تعهد دولتها در تضمین تبعیت سریع از تصمیمات دادگاه یا دیوان، مذکور در ماده ۲۸۷ کنوانسیون، در اختلافاتی که این دولتها طرف آن بوده‌اند نیز توجه کرده است.^{۲۶}

۲۶. نک.

UN Doc. A/RES/55/7 of 3 October 2000.